

Investigating Transparency in Persian and English Inflectional Affixes Based on Natural Morphology Theory

Leila Gholipour Hasankiadeh^{*}

Foroogh Kazemi^{**}

Abstract

The morphological systems tend to follow certain principles, transparency is one of these important principles. This study examined the transparency of Persian and English inflectionals based on natural morphology. The main issue is how transparency is represented according to natural morphology. Persian data are selected from *Persian Database* and English data are extracted from *Corpus of Contemporary American English* through random sampling (and based on equal number of words). Afterwards, they were analyzed based on Dressler and Mayerthaler's approach. The results indicate, in Persian, the plural markers –ha, –un, the superlative adjective marker –tarin, past tense suffixes –t, –ad, and negation prefix n-, and in English, the genitive marker –'s, superlative adjective marker –est and past participle –en are transparent and the rest is opaque. Findings indicate the transparency of nouns and verbs in Persian is more than adjectives; however, in English, it's not true. This is one of the differences of two morphological systems. Also, there is no direct relationship between transparency and frequency of inflectional affixes. Indeed, there is a direct relationship between grammatical categories and transparency of inflectional affixes. This relationship doesn't necessarily apply to the transparency of each affix with its frequency.

Keywords: Frequency, Inflectional Affixes, Inflectional Values, Natural Morphology Theory, Persian and English, Transparency.

^{*} PhD Student of Linguistic Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, leilagholipour5@gmail.com

^{**} Associate Professor of Linguistic Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding Author) f.kazemi86@yahoo.com

Date received: 19/08/2022, Date of acceptance: 04/11/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

بررسی شفافیت در وندهای تصریفی فارسی و انگلیسی براساس نظریه صرف طبیعی

لیلا قلی‌پور حسن‌کیاده*

فروغ کاظمی**

چکیده

نظام‌های صرفی زبان‌های مختلف تمایل دارند از اصول خاصی پیروی کنند. شفافیت یکی از این اصول مهم است. این جستار به بررسی شفافیت وندهای تصریفی فارسی و انگلیسی براساس نظریه صرف طبیعی پرداخته است. مسئله اصلی آن است که شفافیت در وندهای تصریفی این دو زبان از منظر صرف طبیعی چگونه بازنمایی می‌شود. داده‌های فارسی از پیکره پایگاه دادگان زبان فارسی و داده‌های انگلیسی از پایگاه پیکره انگلیسی آمریکایی معاصر به‌روش نمونه‌گیری تصادفی (و بر مبنای تعداد واژه‌های مساوی) انتخاب شده و سپس براساس دیدگاه درس‌لر و مایرنالر مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در فارسی وندهای تصریفی «ها» و «ون» جمع‌ساز، «ترین» صفت‌عالی‌ساز، «ست» و «اد» گذشته‌ساز، و «ن» منفی‌ساز و در انگلیسی وندهای «s» مالکیت، «est» صفت‌عالی‌ساز، و «en» صفت مفعولی‌ساز شفاف و باقی وندها غیرشفاف‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که شفافیت مقوله‌های اسم و فعل در فارسی بیش از صفت است، اما شفافیت مقوله‌های اسم و صفت در انگلیسی بیش از شفافیت فعل است. این امر یکی از وجوه افتراق نظام صرفی این دو زبان است. هم‌چنین، میان ملاک شفافیت و بسامد وقوع

* دانشجوی دکتری، گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،

leilagholipour5@gmail.com

** دانشیار گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

f.kazemi86@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

وندهای تصریفی رابطه مستقیمی وجود ندارد. در نظام صرفی هر دو زبان بین مقولۀ دستوری و شفافیت رابطه مستقیمی وجود دارد. اما این رابطه درخصوص شفافیت هریک از ونها با بسامد وقوعشان لزوماً صدق نمی‌کند.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های تصریفی، بسامد، شفافیت، فارسی و انگلیسی، نظریۀ صرف طبیعی، وندهای تصریفی.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین نظریه‌های به‌نام زبان‌شناسی در حوزه صرف نظریۀ صرف طبیعی (natural morphology) است که نقش بسیار اساسی در تشخیص میزان طبیعی‌بودن زبان‌ها دارد. صرف طبیعی بحث بسیار عمیقی است که از استامپ (G. Stump) و درس‌لر (W. U. Dressler) گرفته تا سایر زبان‌شناسان مانند ورزل (W. U. Wurzel) و مایرثالر (W. Mayerthaler) در این حوزه کار کرده و آن را ارائه کرده‌اند (Spencer 1991: 125). یکی از مباحث مهم بحث صرف طبیعی رابطه میان صورت و معنای یک نشانه است. این که رابطه بین این دو مفهوم مطلق است یا مدرج حائز اهمیت است که صرفیون بدان پرداخته‌اند و این رابطه را مدرج تعیین کرده‌اند. نظام‌های صرفی زبان‌های مختلف تمایل دارند از اصول خاصی پیروی کنند، اصولی از قبیل شفافیت (transparency) و وحدت شکلی (uniformity). آنچه دغدغۀ این مطالعه محسوب می‌شود بررسی صورت و معنا در چهارچوب صرف طبیعی و مشخصاً پرداختن به شفافیت است. مایرثالر ملاک‌های دیگری نیز برای بررسی میزان طبیعی‌بودن زبان معرفی کرده است شامل تصویرگونگی (iconicity)، طول کلمه (word size)، و نمایه‌گذاری (indexicality) که پرداختن به آن‌ها در این تحقیق مدنظر نیست (حق‌بین ۱۳۷۸).

هدف اصلی این تحقیق معرفی هرچه بیش‌تر نظریۀ صرف طبیعی و پرداختن به مفهوم شفافیت و هدف ویژه آن بررسی وندهای تصریفی دو زبان انگلیسی و فارسی از این منظر و هم‌چنین پرداختن به بسامد آن‌هاست. این پژوهش می‌تواند نتایج جالبی درمورد وندهای پرکاربرد و کم‌کاربرد به‌دست دهد. دستاوردهای این تحقیق می‌تواند در حوزه ترجمه و مطالعات ترجمه سودمند و مؤثر باشد. در این زمینه در ایران صرفاً چند پژوهش، آن هم درخصوص کلیت نظریۀ صرف طبیعی، صورت گرفته است. این پژوهش با بررسی دو زبان با استخراج از پیکرۀ فارسی و انگلیسی به‌طور خاص به بررسی قیاسی می‌پردازد و میزان

شفافیت وندهای تصریفی آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد و اطلاعات جامع و کاملی درباره ملاک طبیعی بودن و شفافیت به دست می‌دهد. مسئله اصلی این پژوهش آن است که نشان دهد شفافیت در وندهای تصریفی این دو زبان از منظر صرف طبیعی چگونه بازنمایی می‌شود و وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها در چیست. در این راستا، سؤالاتی که محقق در پی یافتن پاسخ برای آن‌هاست عبارت‌اند از این‌که نخست براساس نظریه صرف طبیعی، شفافیت به عنوان یکی از مفاهیم اصلی این نظریه، در وندهای تصریفی فارسی و انگلیسی در مقولات دستوری اسم، فعل، صفت، و قید چگونه قابل تبیین است؟ و سپس مطابق رویکرد صرف طبیعی، آیا ملاک شفافیت با بسامد وقوع وندهای تصریفی در هریک از این دو زبان رابطه‌ای دارد؟ از نظر روش‌شناسی، این تحقیق پژوهشی توصیفی - تحلیلی است. داده‌ها به صورت کمی و کیفی مورد بررسی قرار می‌گیرند و برای دو زبان پیکره زبانی در نظر گرفته شده است. این داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و نمونه‌گیری تصادفی از دو پیکره عمومی فارسی و انگلیسی با حجم مساوی گردآوری شده است. پیکره انگلیسی از پایگاه «پیکره انگلیسی آمریکایی معاصر» (COCA) و پیکره فارسی از پایگاه دادگان زبان فارسی (PLDB) استخراج شده است. محتوای هریک متون ادبی داستانی است که شامل زبان نوشتاری و نیز محاوره‌ای است. بدین ترتیب که فهرستی کامل از واژه‌های دارای وندهای تصریفی فارسی و انگلیسی را، که تقریباً متعلق به یک برهه زمانی است، از پیکره‌ها گردآوری کرده و نهایتاً پیکره اصلی براساس ملاک‌های ساختاری که نظریه پردازان معرفی کرده‌اند، از منظر شفافیت و میزان طبیعی بودن مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. وندهای مورد بررسی در زبان فارسی شامل وندهای جمع‌ساز «-ها، -ان، -ات، -ین، -ون»، صفت‌ساز «-تر و -ترین»، وند قیدساز «تر»، شناسه «-م، -ی، -Ø، -د، -یم، -ید، -ند»، ماضی‌ساز «-ت، -د، -ید، -اد»، نمودساز و وجه‌ساز «-می» و منفی‌ساز «-ن» و در زبان انگلیسی وند جمع‌ساز «-s»، وند صفت‌ساز «-er, -est»، نشانه مالکیت «'s»، وندهای فعلی «-s, -ed» و نمودساز «-en, -ing» هستند.

۲. پیشینه تحقیق

حقیقین (۱۳۷۸: ۷۷) در مقاله‌ای به بررسی نظام تصریفی زبان فارسی بر مبنای نظریه صرف طبیعی براساس پنج ملاکی که مایرثالر معرفی کرده پرداخته است. افراشی (۱۳۷۸) در پژوهشی، شفافیت را معادل قاعده‌مندی معرفی کرده و افزوده است که اگر مقوله‌ای

برحسب قاعده به‌دست آید، شفاف است و هرچه از قاعده‌مندی دور شود، از شفافیت آن کاسته می‌شود. «در صرف، هر واژه در صورتی شفاف است که به‌روشنی قابل تجزیه به تک‌واژه‌های سازنده‌اش باشد و دانسته‌های ما دربارهٔ تک‌واژه‌های حاضر در واژه برای تفسیر معنای واژه کل کفایت می‌کند» (همان: ۶۳). حق‌بین و کوشکی (۱۳۹۴: ۱۰۵) در مقاله خود از ویژگی‌های تصریف سخن گفته‌اند، مبنی بر این که تصریف با نحو مرتبط است و حافظ مقوله است و نیز بسیار زیاست.

درس‌لر (۲۰۰۵: ۷) با اعمال ملاک‌های تعیین طبیعی‌بودن زبان، به مقایسهٔ فراگیری زبان کودک و ساخت‌واژه در زبان‌های ترکیبی، منفرد، و پیوندی اسکالیکا (Skalicka) پرداخته است. معیارهایی که وی به‌کار برده شامل غنای ساخت‌واژی، پیچیدگی ساخت‌واژی، پارامترهای جهانی شفافیت، تصویرگونگی، و رابطهٔ یک‌به‌یک صورت و معناست. به عقیدهٔ وی، شفافیت فراگیری را تسریع می‌بخشد. بچه‌هایی که زبان‌های پیوندی فرامی‌گیرند تمایل به تعمیم افراطی الگوی شفاف دارند. وایتینگ و همکاران (۲۰۱۳: ۱۷) به بحث تصریف در زبان پرداخته‌اند و آن را حائز اهمیت می‌دانند، چراکه می‌تواند اطلاعاتی از قبیل زمان، تطابق، شخص، و شمار در اختیار قرار دهد. آن‌ها به بررسی دووند تصریفی s- و er- در واژه پرداخته‌اند و صورتی را که دارای وند تصریفی باشد شفاف خوانده‌اند، چراکه معنای کل واژه را می‌توان از ستاک آن متوجه شد.

هنگولد (Hengeveld 2018: 153) در پژوهشی به بررسی میزان شفافیت زبان‌های متفاوت پرداخته است و شفافیت را برابر با سادگی نمی‌داند. ممکن است زبانی درعین پیچیدگی، شفاف نیز باشد. درمقابل زبان‌هایی وجود دارد که ساده، اما غیرشفاف هستند. در زبان‌های تصریفی تک‌واژه‌ها به گونه‌ای تلفیق شده‌اند که قابل تفکیک نیست و فاصلهٔ میان تک‌واژه‌ها رعایت نشده است که منجر شده یک صورت دارای چند مفهوم باشد و بنابراین شفاف نیست، چراکه صورتی شفاف است که دارای یک نقش و مفهوم باشد. این ویژگی در زبان‌های پیوندی بسیار محدود است؛ بنابراین زبان‌های پیوندی شفافیت بیش‌تری دارند. هنگولد معتقد است که یادگیری مقوله‌های شفاف آسان‌تر و سریع‌تر است. گائیتا (Gaeta 2018: 251) در جستار خود اشاره کرده است که شفافیت یکی از عناصر تعیین طبیعی‌بودن زبان است، حال آن‌که بسامد نتیجهٔ طبیعی‌بودن زبان است. هم‌چنین، انعطاف‌پذیری صرف طبیعی در پررنگ کردن نقش ساخت‌واژه بسیار مؤثر است. طبیعی‌بودن زیایی زبان را افزایش می‌دهد و اگر تنها یک فرایند ساخت‌واژی طبیعی باشد، به‌میزان زیادی قابل تجزیه

است؛ به عبارتی، هرچه فرایند ساخت‌واژه طبیعی‌تر باشد، اجزای سازنده آن راحت‌تر درک می‌شود و تولید آن نیز آسان‌تر است (ibid.: 245).

۳. مبانی نظری

در این قسمت مفاهیم اصلی نظریه صرف طبیعی را ارائه می‌کنیم تا براساس آن‌ها به تحلیل‌ها بپردازیم.

۱.۳ صرف طبیعی

صرف طبیعی یکی از انگاره‌های مطرح در صرف است. طبق این مدل هر تک‌واژ یک صورت دارد و یک معنا و رابطه یک‌به‌یک دوطرفه (biuniqueness) بین صورت و معنا وجود دارد. در بعضی موارد در زبان‌ها این‌گونه نیست و این امر ناشی از قواعد تک‌واژگونی است. سه راه وجود دارد که تک‌واژها تلفظ‌های متنوع می‌یابند: ۱. قواعد واجی (phonological rules)، ۲. قواعد صرفی (morphological rules)، و ۳. قواعد تک‌واژگونی (allomorphic rules). جابه‌جایی واکه بزرگ در انگلیسی (grate vowel shift) مثالی برای نوع سوم است. در این جابه‌جایی همه واکه‌ها یک درجه بسته‌تر می‌شوند (پیشین می‌شوند) و به واکه‌های مرکب (diphthongs) تبدیل می‌شوند. هم‌چنین قاعده نرم‌شدگی هجای سوم (trisyllabic laxing) ناشی از قواعد تک‌واژگونی است و واکه به واکه نرم (lax) تبدیل می‌شود (Spencer 1991: 126). صرف طبیعی در دهه ۱۹۷۰ شروع به رشد کرد و یکی از موارد خاص که به این رشد منجر شد واج‌شناسی طبیعی استامپ است که توسط درس‌ر برای ارتباط میان واج‌شناسی و واژه‌شناسی بسط داده شد (حق‌بین ۱۳۷۹: ۳۸).

۱.۱.۳ شفافیت

در صرف طبیعی، شفافیت مرتبط با تک‌نقشی بودن نشانه تصریفی یا اشتقاقی است. اگر صورت‌ها تک‌نقشی باشند، شفافیت دارند. به عبارتی شفافیت رابطه یک‌به‌یک میان معنا و صورت است. میان اصل تصویرگونی و شفافیت تعامل وجود دارد. این اصل از قاعده شفافیت نشانه‌شناسی ریشه گرفته که موافق تولید و درک آسان واژه است و اشاره به این دارد که شفافیت مرتبط با توالی پایه و وندهای اشتقاقی و تصریفی است (Galeas 2001:)

14). در حوزه صرف، می‌توان شفافیت را یک مفهوم مدرج در نظر گرفت و آن را در یک نمودار خطی بررسی کرد که در یک سر محور کاملاً شفاف و در سر دیگر غیرشفاف است (Leufkens 2015: 14).

۲.۳ نظام تصریف

از دیدگاه صرف‌شناسان، اشتقاق و تصریف دو بخش مهم و اساسی در مطالعات صرفی هستند. در تصریف با صورت‌های تصریفی مواجه هستیم. صورت‌های تصریفی دارای ارزش تصریفی (inflectional values) هستند. به‌عنوان مثال، فعل walk زمان حال ساده است؛ بنابراین، ارزش تصریفی حال دارد و نیز فعل walked، که زمان آن گذشته ساده است، دارای ارزش تصریفی گذشته است (Haspelmath and Sims 2010: 81). میزان پیچیدگی تصریفی زبان‌های مختلف متفاوت است. به‌عنوان مثال، زبان‌های ویتنامی و هم‌چنین زبان نیجریه ارزش تصریفی ندارند. درحالی‌که برخی زبان‌ها دارای ارزش تصریفی زیادی هستند. باوجود این تنوعات، انواع ارزش‌های تصریفی در زبان‌های متفاوت شکل واحدی دارند و یک‌سان هستند. جدول زیر ارزش‌ها و ویژگی‌های تصریفی را (برای زبان‌های دنیا) نمایش می‌دهد (ibid.: 82).

جدول ۱. ارزش‌ها و ویژگی‌های تصریفی

اسم و ضمیر	فعل	صفت، ضمیر اشاره، ضمیر موصولی و اضافه
شمار (مفرد، جمع، ...)	شمار (مفرد، جمع، ...)	شمار (مفرد، جمع، ...)
حالت (فاعلی، مفعولی، ...)	شخص (اول‌شخص، دوم‌شخص، سوم‌شخص)	حالت (فاعلی، مفعولی، ...)
جنسیت (مذکر، مؤنث، ...)	زمان (حال، آینده، گذشته، ...)	جنسیت (مذکر، مؤنث، ...)
شخص (اول‌شخص، دوم‌شخص، سوم‌شخص)	نمود (نمود کامل، نمود ناقص، ...)	شخص (اول‌شخص، دوم‌شخص، سوم‌شخص)
-----	وجه (وجه اخباری، وجه التزامی، وجه امری، ...)	-----

برگرفته از Haspelmath and Sims 2010: 82.

تک‌واژهای وابسته تصریفی هنگام ترکیب با واحدی بزرگ‌تر نه معنای واژگانی را تغییر می‌دهند و نه مقوله آن را، بلکه نقش دستوری خاصی به آن می‌دهند (یول ۱۳۸۹: ۸۵). مثلاً در زبان انگلیسی old و older هر دو صفت هستند و پسوند -er نوع دیگری از صفت را می‌سازد و در این نقش، یک تک‌واژ تصریفی است.

۴. تحلیل داده‌ها (شفافیت وندهای تصریفی)

در این قسمت از پژوهش، داده‌ها را براساس دیدگاه صرف طبیعی درس‌لر و مایرثالر موردبررسی قرار می‌دهیم و پیکره را از این منظر محک می‌زنیم. برای این منظور وندهای تصریفی در مقولات دستوری متفاوت را نخست برای زبان فارسی و سپس برای زبان انگلیسی بررسی می‌کنیم تا در پی آن امکان مقایسه نیز میسر شود. گام نخست برای شروع تحلیل و جمع‌آوری همه وندهای تصریفی در هر دو زبان بود. لذا براساس جدول ۱ برگرفته از هسپلمث و سیمز (۲۰۱۰) همه وندهای تصریفی موجود در فارسی شناسایی و لیست شد و برای انگلیسی هم بدین ترتیب وندهای تصریفی جمع‌آوری شد. سپس با توجه به نقش هریک از این وندهای تصریفی، رابطه یک‌به‌یک بین صورت و نقش هر وند تصریفی برای هر دو زبان مشخص شد. سپس داده‌ها از منظر رویکرد مایرثالر و درس‌لر باتوجه به بسامد وقوع در پیکره، موردبررسی قرار گرفت.

۱.۴ اسم در فارسی

نشانه تصریفی برای اسم در زبان فارسی شمار است. با تأمل در پیکره فارسی و بررسی نمونه‌ها مشخص شد که اسم مفرد می‌تواند به صورت‌های متفاوتی جمع بسته شود و وندهای تصریفی متفاوتی را بپذیرد. وندهای جمع در زبان فارسی دو وند تصریفی «ها» و «ان» است و وندهایی که از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند «-ون»، «-ین»، و «-ات» هستند. البته شکل دیگری نیز وجود دارد که ریشه عربی دارد و جمع مکسر نامیده می‌شود. در ادامه، نمونه‌هایی را مشاهده می‌کنیم:

وند «ها»: جشن‌ها؛ وند «ان»: قهرمانان؛ وند «-ات»: تغییرات؛ وند «-ین»: معلمین؛ وند «-ون»: طبعیون؛ و جمع مکسر: حکما. براساس دیدگاه درس‌لر و مایرثالر، شفافیت زمانی حاصل می‌شود که صورت‌ها تک‌نقشی باشند. طبق نظریه صرف طبیعی، مقوله‌ای شفاف

است که یک صورت دارای یک نقش باشد. لذا باتوجه به داده‌های استخراج‌شده از پیکره، وند تصریفی «ها»، که ریشه فارسی دارد، اسامی مانند آدم‌ها و گلوله‌ها از بسامد بالایی برخوردار است (جدول ۲). در پیکره فارسی نقش دیگری برای این تک‌واژ مشاهده نشد. تعداد اسامی که با وند تصریفی «ها» جمع بسته شده است ۲۰۲ مورد است.

جدول ۲. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «ها» برای اسم‌ها و بسامد وقوع آن در پیکره فارسی

جن‌ها	دهاتی‌ها	آسمان‌ها	گزاره‌ها	خیابان‌ها	کاخ‌ها	روستا	صداها
مدادها	حمام‌ها	راه‌ها	کنش‌ها	مرد‌ها	مهمان‌ها	روستاها	شورها
زن‌ها	مورچه‌ها	گل‌ها	قرن‌ها	دخترها	پل‌ها	کوهستان‌ها	کلیدها
۲۰۲							مجموع

درمقابل، باتوجه به پیکره فارسی، وند تصریفی «ان»، که مانند «ها» ریشه در زبان فارسی دارد، علاوه بر نقش جمع‌ساز در ساخت قید مکان مانند دیلمان، قید زمان مانند سحرگاهان، صفت فاعلی مانند لرزان و صفت مفعولی مانند آویزان نیز به کار می‌رود. گفتنی است که قید مکان مختوم به «ان» در پیکره فارسی یافت نشد. نمونه‌هایی از «ان» جمع‌ساز در پیکره فارسی را در جدول ذیل مشاهده می‌کنیم.

جدول ۳. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «ان» برای اسم‌ها و بسامد وقوع آن در پیکره فارسی

شوریدگان	مردگان	آزادی‌خواهان	جامعه‌شناسان	وطن‌خواهان	زنانان	عزیزان	مأموران
انتقام‌جویان	آمریکاییان	ستم‌دیدگان	بازماندگان	کارمندان	مجاهدان	چشمندان	متفکران
مردان	مشایعت‌کنندگان	قیامیان	دانشجویان	بزرگ‌سالان	کاسبان	بی‌خردان	مغازه‌داران
۱۳۸							مجموع

براساس پیکره مطالعه‌شده در این تحقیق، وند تصریفی «ات» در زبان فارسی بسامد کم‌تری نسبت به وندهای «ها» و «ان» دارد. نمونه‌هایی از قبیل «جریان‌ات و خیالات» که

بررسی شفافیت در وندهای ... (لیلا قلی‌پور حسن‌کیاده و فروغ کاظمی) ۲۰۳

می‌توانند با «ها» نیز جمع بسته شوند و به‌صورت جریان‌ها و خیال‌ها گفته شوند. جدول زیر نمونه‌های جمع‌آوری شده از پیکره را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «-ات» برای اسم‌ها و بسامد وقوع آن در پیکره فارسی

کلمات	جملات	معلومات	سکنات	اقدامات	ولایات	خیالات	حدسیات
ایرادات	قطرات	لحظات	انتخابات	مبارزات	روحیات	حالات	فرضیات
مقامات	احساسات	انفعالات	لحظات	تبلیغات	عادات	اشارات	تغییرات
مجموع	۶۴						

وند تصریفی «-ات» مانند وند «ها» تنها نقشی که در پیکره زبان فارسی به‌عهده دارد مفهوم جمع است؛ اما وندهای تصریفی عربی دیگر که در زبان فارسی استفاده می‌شوند یعنی «-ین» مانند «ساکنین» و «-ون» مانند «طبیعیون» و «قیاسیون» علاوه‌بر مفهوم جمع در ساخت‌های دیگر نیز استفاده می‌شوند. وند تصریفی «-ین» مانند «-راستین» مفهوم صفت را نیز در پیکره نشان داده است. گفتنی است که این دو وند در پیکره یافت نشد. براساس مفاهیم رویکرد صرف طبیعی و براساس آنچه مایرثالر بدان معتقد است، پدیده قرض‌گیری در این‌جا طبیعی‌بودن زبان فارسی را تهدید کرده است؛ چراکه ملاک شفافیت را تحت‌تأثیر قرار داده و از درجه شفافیت مفهوم جمع در زبان فارسی کاسته است. می‌دانیم قرض‌گیری واژه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است و واژه‌های زبان فارسی و اکثر واژه‌های عربی که وارد زبان فارسی شده‌اند را می‌توان با وند تصریفی جمع‌ساز «ها» ترکیب کرد (نمونه‌هایی از قبیل اختلافات و دختران) که به‌صورت «اختلاف‌ها و دخترها» قابل‌بیان هستند. لذا به‌خاطر بسامد ناچیزشان مخل طبیعی‌بودن یا عدم‌شفافیت نمی‌شوند. با بررسی و تحلیل داده‌ها مشخص شد که وندهای تصریفی «-ها»، «-ات»، و «-ون»، که تنها یک نقش دارند و اصل شفافیت را مطابق نظریه درسلر و مایرثالر رعایت کرده‌اند، شفاف و وندهای تصریفی «-ان» و «-ین» که یک صورت و چند نقش دارند و اصل شفافیت را نقض کرده‌اند غیرشفاف محسوب می‌شوند. در ذیل، جدول آماری و سلسله‌مراتب شفافیت وندهای تصریفی اسم را مشاهده می‌کنیم:

جدول ۵. بسامد وقوع وندهای تصریفی اسم در پیکره فارسی

وند تصریفی	ها	ان	ات	ین	ون
بسامد	۲۰۲	۱۳۸	۶۴	۰	۰

۲.۴ اسم در انگلیسی

۱.۲.۴ شمار

در زبان انگلیسی، در موارد اسامی بی‌قاعده، قوانین خاصی وجود ندارد (و غالباً به‌واسطه قرض‌گیری از زبان لاتین وارد انگلیسی شده‌اند). در ساخت اسامی جمع باقاعده تنها از وند تصریفی «-s» استفاده می‌شود. نمونه‌هایی از این وند تصریفی از پیکره انگلیسی استخراج شده و در جدول ذیل نمایش داده شده است:

جدول ۶. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «-s» برای اسم‌ها و بسامد وقوع آن در پیکره انگلیسی

skills	Items	clubs	Cookies	rates	names	drivers
points	Bodies	ads	Cases	funds	vehicles	findings
options	Politicians	elements	minutes	ones	decisions	brands
۱۸۴						مجموع

حال خود وند تصریفی «-s» در زبان انگلیسی را به محک آزمون می‌گذاریم. این وند تصریفی، علاوه بر مفهوم جمع، نقش‌های دیگری نیز در پیکره انگلیسی نشان داده است. در زمان حال ساده، برای نشان‌دادن حالت سوم شخص مفرد باید به فعل «-s» اضافه کنیم. نمونه‌هایی از پیکره انگلیسی را در ادامه مشاهده می‌کنیم. نمونه‌های کامل‌تر در بخش فعل افزوده شده است.

Mr. Ryan continues his education.

مشاهده کردیم که در زبان انگلیسی وند تصریفی «-s» بیان‌گر نقش جمع در اسم و هم‌چنین سوم‌شخص مفرد در زمان حال ساده است که در هر مورد وند تصریفی محسوب می‌شوند. این تک‌واژ از تک‌واژه‌های چندوجهی (portmanteau) یا متراکم است و کاهنده میزان طبیعی بودن نظام صرفی زبان انگلیسی است.

جدول ۷. بسامد وقوع وند تصریفی «s» برای اسم و فعل در انگلیسی

وند تصریفی	s- جمع	s- سوم شخص
بسامد	۱۸۴	۷۳

۲.۲.۴ پیونده/ نشانه مالکیت

نقش دیگری که از وند تصریفی بهره‌مند شده پیونده است که با وند تصریفی «s» در پیکره انگلیسی یافت شده است. پیونده آن است که به وسیله آن مضاف و مضاف‌الیه به کمک نشانه‌ای که هیچ معنایی ندارد و فقط نقش دستوری دارد ساخت اضافی یا ملکی را می‌سازد (Croft 2003: 38). در زبان فارسی کسره اضافه یک پیونده محسوب می‌شود که به اسم ملک می‌چسبد. لیکن در زبان انگلیسی پیونده به صورت یک تک‌واژ مستقل بعد از ملکی می‌آید و این تک‌واژ دستوری مستقل که میان مالک و مملوک یا مضاف و مضاف‌الیه ظاهر می‌شود «s» است، مانند:

Father's house / Doll maker's instrument

با مطالعه پیکره انگلیسی مشخص شد که این وند تصریفی تنها بیان‌گر یک مفهوم است. از این رو، کاملاً شفاف است. وند تصریفی پیونده در پیکره انگلیسی ۲۹ مورد است که نمونه‌هایی از آن در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۸ نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «s» برای اسم‌ها و بسامد وقوع آن در پیکره انگلیسی

father's aloofness	Kerry's quarters	my father's taste	Kerry's arm
Kerry's voice	Kerry's mansion	father's seat	someone's right
father's house	Kerry's face	father's effort	store's reputation
۲۹			
مجموع			

۳.۴ صفت در فارسی (تفضیلی و عالی)

در زبان فارسی، مفاهیم تفضیلی و عالی با وندهای «تر» مانند «بزرگ‌تر» و «ترین» مانند «خطرناک‌ترین» بیان می‌شوند. وند تصریفی «تر» در پیکره فارسی، علاوه بر مفهوم صفت تفضیلی، مفهوم قید را نیز نشان داده است: نمونه‌هایی از قبیل «سریع‌تر برو، آرام‌تر بنویس».

«سریع‌تر و آرام‌تر» که برای توصیف فعل جمله قبل از آن ظاهر شده‌اند قید محسوب می‌شوند. درمقابل، وند تصریفی «ترین»، که در ساخت صفت عالی به‌کار می‌رود، مفهوم و نقش دیگری به‌عهده ندارد؛ یعنی واژگانی مانند «نادان‌ترین» صفت عالی هستند و مفهوم و نقش دیگری ندارند. بنابر تعریف شفافیت از دیدگاه صرف طبیعی، صفت تفضیلی در فارسی نمی‌تواند شفاف باشد، اما صفت عالی کاملاً از قانون شفافیت تبعیت کرده است که خود در طبیعی‌بودن زبان فارسی مؤثر است و با عنایت به مفاهیم مطرح در صرف طبیعی کاملاً شفاف هستند. نمونه‌هایی که از پیکره استخراج شده است در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۹. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «-تر» و بسامد وقوع آن در پیکره فارسی

بی‌اراده‌تر	پربادتر	دلاورتر	بیش‌تر	سردتر	لموس‌تر	مهربان‌تر	نزدیک‌تر
بوالهوس‌تر	زبون‌تر	گنده‌تر	کم‌تر	عزیزتر	مشخص‌تر	مهم‌تر	بزرگ‌تر
دل‌نشین‌تر	تیزتر	بدبخت‌تر	بدتر	محکم‌تر	عام‌تر	پول‌دارتر	کوچک‌تر
۱۳۵							مجموع

جدول ۱۰. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «-ترین» و بسامد وقوع آن در پیکره فارسی

عجیب‌ترین	بزرگ‌ترین	بی‌اعتنا‌ترین	زیباترین	کثیف‌ترین	نرم‌ترین	فجیع‌ترین
خوش‌بخت‌ترین	کم‌هوش‌ترین	بدترین	غریب‌ترین	تندروترین	نادان‌ترین	هول‌ناک‌ترین
تلخ‌ترین	جوان‌مرد‌ترین	قوی‌ترین	شیرین‌ترین	مهم‌ترین	بهترین	
۱۱۰						مجموع

جدول ۱۱. بسامد وقوع وند تصریفی «صفت» در پیکره فارسی

وند تصریفی	تر	ترین
بسامد	۱۳۵	۱۱۰

۴.۴ صفت در انگلیسی (تفضیلی و عالی)

در زبان انگلیسی وند تصریفی «-er» به صفت ساده افزوده می‌شود و صفت تفضیلی حاصل می‌آید. گفتنی است که ساخت صفات تفضیلی قاعده خاصی دارد: صفاتی که دارای یک هجا هستند پس‌وند -er ضمیمه آن‌ها می‌شود مانند cheaper. نمونه‌های بیش‌تر در جدول ۱۲ آمده است. صورت‌هایی نیز وجود دارند که هیچ شباهت آوایی بین صفت مطلق و شکل تفضیلی‌شان وجود ندارد، مانند صفت مطلق good که صفت تفضیلی آن better است. چنین فرایندی که باعث ایجاد صفات بی‌قاعده می‌شود صورت‌های مکمل یا پرکنش (suppletion) خوانده می‌شود که می‌تواند کامل (total suppletion) یا جزئی (partial suppletion) باشد. این موارد را هم‌جوشی یا امتزاج (fusion) می‌دانیم که در آن تک‌واژ تصریفی در واژه تلفیق می‌یابد، به‌صورتی که دیگر قابل تفکیک نیست. تبدیل good یا bad به صفات تفضیلی better و worse نمونه‌هایی از این فرایند است. اما این پس‌وند تنها مفهوم صفت تفضیلی ندارد، بلکه نقش دیگری نیز به‌عهده دارد مانند manager. مشاهده می‌کنیم که این وند مفهوم کنش‌گر نیز دارد. بدین صورت که به فعل پس‌وند -er اضافه شده و مقوله کنش‌گر حاصل می‌شود. صفت عالی در زبان انگلیسی قواعدی مشابه قواعد صفت تفضیلی دارد، یعنی صفاتی که دارای یک هجا هستند پس‌وند -est ضمیمه آن‌ها می‌شود مانند biggest. صفاتی که به C+y ختم می‌شوند، یعنی قبل از y یک صامت وجود داشته باشد y به i تبدیل می‌شود و سپس -est افزوده می‌شود، مانند earliest. وند تصریفی -er که در پیکره انگلیسی دارای دو نقش است فاقد شفافیت است، ولی وند تصریفی -est که در ساخت صفت عالی در زبان انگلیسی نقش دارد، نشان‌دهنده هیچ مفهوم دیگری نیست و مطابق نظریه صرف طبیعی کاملاً شفاف محسوب می‌شود.

جدول ۱۲. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «-er, -est» و بسامد وقوع آن در پیکره انگلیسی

-er			-est		
cheaper	younger	Later	latest	Earliest	Newest
sturdier	lower	Better	largest	Richest	Nearest
upper	Bitter	Earlier	greatest	prettiest	Biggest
۲۲			مجموع: ۲۱		

جدول ۱۳. بسامد وقوع وند تصریفی «صفت» در انگلیسی

وند تصریفی	-er	-est
بسامد	۲۲	۲۱

۵.۴ فعل در فارسی

براساس جدول ۱، وندهایی که در ترکیب فعل یافت می‌شوند و تحلیل خواهند شد بدین ترتیب است: شمار، شخص، زمان، نمود، وجه، و قطیبت.

۱.۵.۴ شمار و شخص در فارسی

شمار معین می‌کند که فعل مفرد است یا جمع. آنچه شمار را تعیین می‌کند شناسه فعلی است که به بن ماضی در زمان گذشته و بن مضارع در زمان حال یا آینده ضمیمه می‌شود. منظور از شخص در زبان فارسی اول‌شخص متکلم، دوم‌شخص مخاطب، و سوم‌شخص غایب است. در زبان فارسی افعال از نظر شخص و شمار شش حالت دارند که به‌صورت مفرد و جمع طبقه‌بندی می‌شوند. باتوجه‌به داده‌های موجود در پیکره فارسی، مشاهده می‌کنیم که برای بیان مفهوم شمار و شخص افعال ماضی و مضارع وندهای «-م»، «-ی»، «-Ø»، «-یم»، «-ید»، «-ند» به‌کار می‌رود، مانند «خوردم»، «خوردی»، «خورد»، «خوردیم»، «خوردید»، «خوردند». البته شناسه سوم‌شخص مفرد در دو زمان ماضی و مضارع متفاوت است. در زمان ماضی، شناسه سوم‌شخص مفرد صفر است، یعنی نمود آوایی ندارد، اما شناسه سوم‌شخص مفرد در زمان مضارع «-د» است مانند «بخورد». در فعل‌های التزامی، اخباری، استمراری، گذشته، و نفی این شناسه‌ها را مشاهده می‌کنیم و بسامد بالایی دارند. با بررسی و تحلیل پیکره فارسی، مشخص شد که وندهای شناسه‌ساز فعلی، که مفهوم شمار و شخص را بیان می‌کنند، علاوه‌بر مفهوم فعلی نقش دیگری نیز دارند. درحقیقت این وندها می‌توانند به صفت اضافه شوند و واژه‌بست محسوب می‌شوند، مانند:

خسته + م = خسته‌ام / خسته + یم = خسته‌ایم

براساس سازوکارهای نظری در رویکرد درس‌ر و مایرئالر، دوتقشی‌بودن این وندها از شفافیت این مفهوم می‌کاهد و درنتیجه طبیعی نیست. شناسه‌های فعلی در زمان‌های متفاوت به‌صورت جدول در قسمت‌های بعدی مطالعه حاضر در جدول نمایش داده شده است.

گفتنی است که سبک داده‌های پیکره هم به‌صورت نوشتاری و رسمی و هم به‌صورت محاوره‌ای است که در طول تحقیق این مورد در نظر گرفته شده است.

۲.۵.۴ زمان

فعل در زبان فارسی از بن ماضی و مضارع ساخته می‌شود. افعالی که از ریشه بن ماضی ساخته می‌شوند زمان گذشته و افعالی که از بن مضارع ساخته می‌شوند زمان حال یا آینده را نشان می‌دهند. به‌جز افعال امر و نهی، تمام افعال با صیغگان متفاوت نیاز به شناسه فعلی دارند. ماضی ساده به پس‌وندهای «-ت، -د، -ید و -اد» ختم می‌شود و هشتاد مورد در پیکره فارسی یافت شد و نمونه‌هایی از آن‌ها در جدول ۱۴ قابل مشاهده است.

جدول ۱۴. نمونه‌هایی از کاربرد وندهای تصریفی «-ت، -د، -ید، -اد» و

بسامد وقوع آن‌ها در پیکره فارسی

فرستاد	ریخت	فروخت	شد	آمدم	ترسید	پرید
افتاد	پرداختند	شناخت	مرد	فشردم	کشید	رسید
دادند	داشتم	بست	شدند	آوردند	کنید	خزید
مجموع	۸۰					

وندهای تصریفی که در انتهای فعل‌های گذشته مانند «نشست، افتاد، ترسید، و سپرد» می‌بینیم در پیکره فارسی به‌استثنای وند «-د» سایر وندهای گذشته‌ساز نقش و مفهوم دیگری برعهده ندارند؛ وند «-د» علاوه‌بر مفهوم گذشته بیان‌گر نقش نمود کامل نیز است. بنابراین پس‌وندهای «-ت، -د، -ید، و -اد» ملاک شفافیت را رعایت کرده‌اند و به طبعی بودن این وندها منجر شده‌اند. اما وند تصریفی «-د»، که دوقشی است، ملاک شفافیت را نقض کرده است. البته همان‌طور که مشاهده می‌کنید، بعد از این وندها شناسه‌های فعلی نیز افزوده شده‌اند. فعل مضارع یا حال اخباری عملی را بیان می‌کند که در زمان حال یا آینده اتفاق خواهد افتاد. طرز ساختن آن بدین گونه است که پس‌وند تصریفی «می-» ماقبل بن مضارع ظاهر می‌شود و پس از بن مضارع شناسه فعلی می‌افزاییم. تعداد فعل زمان اخباری که شامل پیش‌وند تصریفی «می-» است ۱۱۰ مورد است که ۱۸ مورد آن مفهوم آینده را بیان کرده‌اند. نمونه‌هایی از آن را در جدول ۱۵ مشاهده می‌کنیم.

جدول ۱۵. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «می- اخباری» و بسامد وقوع آن در پیکره فارسی

می‌گیرم	می‌شویم	می‌دهد	می‌کشند	می‌بیند	می‌شنوم	می‌زایی	می‌اندیشم
می‌کنی	می‌خوری	می‌خواهی	می‌شوی	می‌توانی	می‌کشمش	می‌شناسی	می‌سازد
می‌ترسم	می‌آیند	می‌گذارد	می‌گوید	می‌برم	می‌خواهم	می‌فرستم	می‌شکند
۱۱۰							مجموع

با بررسی پیکره، مشخص شد که وند تصریفی «می-» علاوه بر ترکیب مضارع اخباری در ترکیب ماضی استمراری نیز به کار می‌رود. فعل ماضی استمراری وقوع کاری را در زمان گذشته، که به طور مستمر انجام شده است، بیان می‌کند. طرز ساختن فعل ماضی استمراری چنان است که قبل از ریشه ماضی وند تصریفی «می-» بیفزاییم و سپس شناسه فعل را اضافه کنیم، مانند «می‌دانست و می‌دانستیم». نمونه‌های بیش‌تری از این وند تصریفی را در جدول ذیل مشاهده می‌کنیم.

جدول ۱۶. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «می- استمراری» و بسامد وقوع آن در پیکره فارسی

می‌ترسیدم	می‌پرید	می‌دانست	می‌گذشت	می‌گشت	می‌خواست	می‌تپید	می‌دید
می‌خوابیدم	می‌خوابید	می‌دیدند	می‌خوردند	می‌شکست	می‌دانست	می‌نامیدند	می‌زدند
می‌خورد	می‌لرزید	می‌ترساند	می‌خوابانند	می‌بست	می‌پنداشت	می‌ریخت	می‌پراندند
۸۸							مجموع

وند تصریفی «می-» هم مفهوم زمان حال و هم زمان گذشته را بیان می‌کند. بر این اساس، با عنایت به مفاهیم بیان‌شده در نظریه صرف طبیعی، از میزان شفافیت آن می‌کاهد و در نتیجه میزان طبیعی بودن این پیش‌وند کاهش می‌یابد که خود به کاهش طبیعی بودن زبان فارسی منجر می‌شود.

۳.۵.۴ نمود (کامل و ناقص)

نمود در زبان‌شناسی به مقوله‌ای از فعل گفته می‌شود که نشان‌دهنده چگونگی گسترش عمل در محور زمان است. نمود یا کامل است یا ناقص. نمود کامل شامل فعل‌هایی مانند

«خوانده‌ام، خورده‌اند، داده‌اند، کشته‌ام» است که از پیکره استخراج شده‌اند. تعداد نمود کامل در پیکره ۳۲ مورد است. این فعل‌ها دارای شناسه‌هایی در انتها هستند که علاوه‌بر مفهوم فعلی در پیکره فارسی نقش دیگری نیز دارند. درحقیقت این وندها می‌توانند به صفت یا اسم اضافه شوند و واژه‌بست محسوب می‌شوند، مانند گرسنه‌ام و تشنه‌ام. نمود ناقص در زبان فارسی به تداوم جریان عمل یا تکرار عمل اشاره می‌کند. تداوم جریان عمل در پیکره فارسی به‌میزان اندکی (۱۲) یافت شد که چند مورد را در ادامه مشاهده می‌کنیم.

«الآن دارم می‌خورم. داری رقاصی می‌کنی؟»

تکرار عمل نشان‌دهنده عادت است و این نمود نیز در پیکره فارسی به‌میزان اندکی (۱۸) یافت شد و چند نمونه از آن را در این جا مشاهده می‌کنیم:

«همیشه با اوقات تلخی می‌گفت. همیشه ظهرها می‌خوابید».

در بحث نمود ناقص نیز شناسه‌های فعلی و «می-» وندهای تصریفی هستند که پیش‌تر توضیح داده شد که مطابق رویکرد صرف طبیعی شفاف نیستند، چراکه فقط یک نقش ندارند.

۴.۵.۴ وجه

در زبان فارسی پنج وجه وجود دارد: وجه اخباری، وجه امری، وجه التزامی، وجه شرطی، و وجه تمنایی. در ادامه به شرح و بسط وجه فعل می‌پردازیم. از آنجایی که وجه اخباری پیش‌تر شرح داده شده است، از ذکر مجدد آن پرهیز می‌کنیم.

۱.۴.۵.۴ وجه التزامی

در زبان فارسی از وند تصریفی «ب-» در ساخت وجه امری استفاده می‌شود. وند تصریفی «ب-» دو مفهوم دستوری را بیان می‌کند. در افعالی مانند «بزنم» و «برود» وند «ب-» «ضمیمه بن مضارع شده است و وجه التزامی پدید آمده است که بیان‌گر زمان حال و آینده است و مفهوم شک، لزوم، یا آرزو را دارد. نمونه‌هایی از پیکره را در جدول زیر می‌بینیم.

جدول ۱۷. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «ب-التزامی» و بسامد وقوع آن در پیکره فارسی

بخورند	بریزد	بیاریم	بکوبی	بفهمند	بگذارد	بورزیم	بشود
بخوری	برود	بیارم	بشوید	بیابند	بگردم	بخورد	بگوید
۱۷۶							مجموع

وند تصریفی «ب-» در پیکره فارسی دارای نقش‌های التزامی در وجه التزامی، شرطی در وجه شرطی، و امری در وجه امری است.

۲.۴.۵.۴ وجه امری

در افعالی مانند «برو» و «بگو» وند «ب-» ضمیمه بن مضارع شده است و حاصل آن وجه امری است. در فعل «برو» پیش‌وند «ب-» بخاطر فرایند واجی هماهنگی واکه‌ای به شکل bo به کار می‌رود که طبق آنچه مایرثالر بیان می‌کند، این امر را نمی‌توان عاملی در مخدوش شدن نظام صرفی زبان فارسی در نظر گرفت. تعداد فعل امر در پیکره بسیار محدود بود.

۳.۴.۵.۴ وجه شرطی

وجه شرطی برای توصیف وضعیتی به کار می‌رود که رخ دادن آن منوط به تحقق یک شرط باشد. نمونه‌های ذیل از پیکره پژوهش جمع‌آوری شده است:

«اگر شوهرم راضی بشود، می‌آرم.» / «اگر بخوابم ننه کلاغ می‌آید.»

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، در وجه شرطی نیز از پیش‌وند تصریفی «ب-» استفاده می‌شود.

۴.۴.۵.۴ وجه دعایی

وجه دعایی وجهی است که در آن دعا، آرزو، یا نفرینی مطرح می‌شود، مانند «آرزو می‌کنم موفق بشوی». اما «آرزو می‌کرد کاش مادرش مثل او باشد» تنها نمونه موجود در پیکره بود که شامل وجه دعایی بود و نمونه دیگری یافت نشد. در وجه دعایی نیز از پیش‌وند تصریفی «ب-» استفاده می‌شود.

بعد از بررسی وند تصریفی «ب» در وجه‌های التزامی، امری، شرطی، و دعایی مشخص شد که براساس نظریه صرف طبیعی، این پیش‌وند، که یک صورت و چند نقش دارد، ملاک شفافیت را مخدوش کرده و به طبیعی‌بودن زبان آسیب زده است.

۶.۴ وند تصریفی منفی ساز

وند تصریفی «نـ» در ساخت مفهوم نهی به معنای بازداشتن کسی از کاری نقش دارد. در اصل اگر فعل امر را منفی کنیم، فعل نهی حاصل می‌شود. بدین صورت که به جای وند تصریفی «بـ» وند تصریفی «نـ» مفتوح ماقبل بن مضارع استفاده می‌کنیم، مانند «نیا». وند تصریفی «نـ» در ساخت افعال منفی در تمام زمان‌ها اعم از گذشته، حال، و آینده نیز نقش دارد. بدین ترتیب که وند تصریفی «نـ» به ابتدای بن ماضی یا مضارع می‌چسبد و سپس شناسه فعل بدان اضافه می‌شود، مانند «نرفتم». البته این بحث تنها مرتبط با فعل است و ادات سخن دیگر از قبیل اسم و صفت از وندهای اشتقاقی استفاده می‌شود که از حوصله تحقیق حاضر خارج است. وند تصریفی «نـ» در ساخت مفاهیم نهی «نکن، نروید» و نفی به کار می‌رود. اگرچه دو عنوان متفاوت برای این دو نقش وجود دارد، لیکن مفهوم هردو در مقابل مفهوم مثبت قرار دارد و نقش کاملاً متفاوت یا بی‌ربطی ندارند. برای ساخت فعل نهی گاهی هم از وند تصریفی «مـ» استفاده می‌شود. به خصوص در متون ادبی اعم از نظم و نثر مانند «مرو». این صورت رفته‌رفته در طول تاریخ و در گذر زمان به «نـ» تبدیل شده است. با توجه به رویکرد درس‌ر و مایرثالر می‌توان «مـ» را واج‌گونه «نـ» دانست، نه یک وند تصریفی متفاوت. لذا براساس معیارهای نظریه صرف طبیعی ملاک شفافیت را مخدوش نمی‌کند. بخشی از داده‌های جمع‌آوری شده از پیکره پژوهش در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱۸. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «ن» و بسامد وقوع آن در پیکره فارسی

نداریم	نمی‌زدند	نمی‌زد	نمی‌گرفت	نبود	نشد	نمی‌دانست	ندارد
نفهمیدم	نگفتم	نکن	نمی‌آیی	نداری	نمی‌تواند	نمی‌توانی	نرفت
نمی‌آیند	نیستید	ندیدم	نمی‌برد	نگفت	ندادند	نباشد	نبود
۱۷۶							مجموع

جدول ۱۹. بسامد وقوع وند تصریفی «فعل» در فارسی

شناسه حال	شناسه گذشته	می - آینده	می - وجه اخباری	می - نمود استمراری	ز - قطییت	ب - وجه دعایی	ب - وجه شرطی	ب - التزامی	ب - امری	ب - ماضی ساز	ب - ماضی ساز	ب - ماضی ساز	ب - ماضی ساز	بسامد
۴۰۹	۲۶۴	۱۸	۹۲	۸۸	۱۱۶	۱	۱۱	۱۱۶	۱۲	۵	۲۱	۳۲	۲۲	

۷.۴ فعل در انگلیسی

براساس جدول ۱، وندهایی که در ترکیب فعل یافت می‌شوند و تحلیل خواهند شد بدین ترتیب است: شمار، شخص، زمان، نمود، وجه، و قطییت.

۱.۷.۴ شمار و شخص

در زبان انگلیسی، باتوجه به زمان وقوع عمل و جمله، شمار مشخص می‌شود و نیز ضمیر مشخص‌کننده شخص است. ضمیر برای جای‌گزینی اسامی اشخاص، مکان‌ها، اشیا، یا نظرها استفاده می‌شود. در زبان انگلیسی نیز منظور از شخص اول شخص، دوم شخص، و سوم شخص است. در زمان حال ساده، شمار و شخص بدین صورت بیان می‌شود:

I go/ We go/ You go/ He/ she/ it goes/ They go

همان‌طور که در مثال‌های فوق مشاهده می‌کنیم، تنها سوم شخص مفرد برای بیان مفهوم مفرد و سوم شخص بودن از وند تصریفی «s» بهره می‌برد. فعل‌های سوم شخص مفرد پیکره پژوهش که دارای پس‌وند «s» هستند در جدول زیر آمده است.

جدول ۲۰. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «s» و بسامد وقوع آن در پیکره انگلیسی

opens	appears	Talks	involves	happens	calls	Gets	lets
repairs	leads	Practices	offers	States	supports	Wants	drinks
cracks	follows	Shows	reforms	Requires	owns	Looks	deserves
۷۳					مجموع		

در توضیح بحث شفافیت نیاز است که بررسی شود آیا وند تصریفی «s» نقش دیگری نیز برعهده دارد یا خیر. براساس پیکره پژوهش حاضر، این وند تصریفی علاوه بر مفهوم جمع، نقش جمع‌ساز، که در بخش «اسم» توضیح داده شد، را نیز داراست. وند تصریفی «s» بیان‌گر دو نقش است شامل اسم جمع و سوم‌شخص مفرد که نشان می‌دهد این وند شفاف نیست و لذا از طبیعی بودن زبان انگلیسی کاسته است.

۲.۷.۴ زمان

فعل در زبان انگلیسی از ریشه فعل ساخته می‌شود. باتوجه به زمان فعل از وند یا فعل کمکی استفاده می‌شود. زمان حال ساده پیش‌تر توضیح داده شد. فعل‌های زمان گذشته در زبان انگلیسی به دو روش ساخته می‌شوند. افعال بی‌قاعده که بدون قاعده خاصی ساخته می‌شوند مانند go / went. اما بیش‌تر فعل‌ها با افزودن وند تصریفی «ed» به ریشه فعل تبدیل به فعل گذشته می‌شوند که فعل‌های باقاعده نام دارند، مانند finished. افعال باقاعده که با پس‌وند ed- ترکیب شده‌اند از پیکره استخراج و در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۲۱. نمونه‌هایی از کاربرد وند تصریفی «ed» و بسامد وقوع آن در پیکره انگلیسی

started	conducted	Stopped	decided	Wanted	experience	Seemed
called	introduced	Determined	designed	Appointed	viewed	Admitted
asked	believed	Followed	explained	Included	worked	Listed
۱۱۹						مجموع

وند تصریفی «ed» تنها در ترکیب با فعل به ایجاد مفهوم فعل گذشته منجر نمی‌شود، بلکه از این ساختار صفت نیز حاصل می‌شود، مانند bored. در این مثال‌ها مشاهده می‌کنیم که حاصل ترکیب فعل و وند «ed» صفت مفعولی است. به عبارتی، اجزای کلام تغییر کرده است، چراکه وند «ed» به‌عنوان وند اشتقاقی در این ترکیبات ظاهر شده است. از آنجایی که وند «ed» هم مفهوم گذشته‌ساز و هم مفهوم صفت دارد، شفاف نیست و این ملاک طبیعی بودن زبان را کاهش داده است. در ساخت فعل آینده از فعل کمکی will استفاده می‌شود و وندافزایی انجام نمی‌گیرد. بنابراین از توصیف آن صرف‌نظر می‌کنیم. البته از ساختار be going to نیز در زمان آینده استفاده می‌شود که بدان وند «ing» اضافه شده است که یک وند تصریفی است و در بخش نمود توضیح داده خواهد شد.

جدول ۲۲. بسامد وقوع وند تصریفی «فعل» در انگلیسی

وند تصریفی	حال	گذشته
بسامد	۷۳	۱۱۹

۳.۷.۴ نمود

نمود در زبان انگلیسی به دو دسته کامل و ناقص تقسیم می‌شود. نمود کامل، که شامل حال کامل و گذشته کامل است، بدین صورت ساخته می‌شود: حال کامل: have/ has + past participle و گذشته کامل: had + past participle. دو جمله به‌عنوان نمونه از حال کامل و گذشته کامل از پیکره انگلیسی در ادامه مشاهده می‌کنیم:

He has moved to a new place recently./ They had explained what would happen.

در بحث وندافزایی باید وجه وصفی مفعول را که در ساخت نمود کامل استفاده می‌شود در نظر گرفت. وجه وصفی مفعول به چند صورت ساخته می‌شود: شکل باقاعده وند «-ed» می‌گیرد مانند walked. شکل بی‌قاعده که کاملاً متفاوت از شکل گذشته آن است مانند go/went/gone، شکل بی‌قاعده که به فعل ساده -en اضافه می‌شود، مانند take/took/taken. و شکل بی‌قاعده که شکل ساده گذشته حرف a به حرف u تبدیل می‌شود، مانند begin/began/begun. نمونه‌هایی از این وند تصریفی از پیکره جمع‌آوری شده است که تعدادش معادل ۱۲ مورد است.

جدول ۲۳. نمونه‌هایی از کاربرد وندهای تصریفی «-en» و بسامد وقوع آن در پیکره انگلیسی

Taken	Fallen	beaten	Gotten
Given	Flatten	risen	Forbidden
Written	Given	driven	Broken
۱۲	مجموع		

وند «-ing» در ساخت فعل استمراری، اسم مصدر، و نیز صفت فاعلی نقش دارد. ساخت فعل حال استمراری چنین است که به ریشه فعل پس‌وند تصریفی «-ing» اضافه

می‌شود که عملی را بیان می‌کند که در زمان حال یا آینده انجام خواهد شد و مشابه مضارع اخباری در زبان فارسی است. مثال ذیل نمونه‌ای از نمود استمراری است:

They are building a hospital now.

در جمله بالا فعل اصلی جمله build است که وند «-ing» بدان افزوده شده است و مفهوم حال استمراری حاصل شده است. نمونه‌های بیش‌تر از پیکره جمع‌آوری شده و در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۲۴. نمونه‌هایی از کاربرد وندهای تصریفی «-ing» و بسامد وقوع آن در پیکره انگلیسی

Having	Writing	Funding	Covering	fighting
Making	Posting	Starting	Parking	trying
Doing	Buying	Keeping	Including	changing
۷۲			مجموع	

کاربرد دیگر وند «-ing» نقش اسم‌ساز آن است. زمانی که این وند را ضمیمه فعل کنیم، اسم مصدر حاصل می‌شود، مانند نمونه ذیل که از پیکره استخراج شده است:

Shopping is his hobby.

در جمله بالا shopping اسم مصدر است که به‌عنوان فاعل در جمله استفاده شده است، بنابراین یک وند اشتقاقی است. با بررسی پیکره انگلیسی مشخص شد که وند «-ing» بیان‌گر مفهوم صفت نیز است. بدین ترتیب که این وند تصریفی به فعل اضافه می‌شود و صفت فاعلی می‌سازد؛ به عبارتی به‌عنوان وند اشتقاقی عمل می‌کند؛ مانند interesting. واژه interesting از ترکیب interest و ing ساخته شده است و حاصل آن یک صفت فاعلی است. شواهد حاکی از این است که در مبحث نمود، وند تصریفی «-en» منحصر به فرد و کاملاً شفاف است، ولی از آن‌جاکه وند تصریفی «-ing» چند نقشی است، نظریه درس‌لر و مایرثالر را نقض می‌کند و نشان می‌دهد این وند شفاف نیست. قید در زبان انگلیسی از وندهای اشتقاقی بهره می‌برد، لذا از تفسیر آن در مقاله خودداری می‌کنیم. پس از تحلیل و بررسی داده‌های پیکره پژوهشی، وندهای تصریفی براساس تقسیم‌بندی هسپلمث، شفافیت این وندها در دو زبان فارسی و انگلیسی بررسی شده است و در جدول زیر نمایش داده شده است.

جدول ۲۵. شفافیت و بسامد وندهای تصریفی در زبان فارسی

بسامد		شفافیت	ارزش تصریفی	ویژگی تصریفی	وند تصریفی	مقولهٔ دستوری
بسامد در مقولهٔ دستوری	بسامد در وند تصریفی					
۴۰۴	۲۰۲	+	جمع	شمار	ها	اسم
	۱۳۸	-	جمع	شمار	ان	
	۶۴	+	جمع	شمار	ات	
	۰	-	جمع	شمار	ین	
	۰	+	جمع	شمار	ون	
۲۴۵	۱۳۵	-	برتر	صفت	تر-	صفت
	۱۱۰	+	عالی	صفت	ترین-	
۱۴	۱۴	-	حالت	قید	تر-	قید
۷۰۹	۱۸	-	آینده	زمان	می-	فعل
	۹۲	-	اخباری	وجه		
	۸۸	-	استمراری	نمود		
	۲۲	-	گذشته	زمان	د-	
	۵۵	-	حال	زمان		
	۳۲	+	گذشته	زمان	ت-	
	۲۱	-	گذشته	زمان	ید-	
	۲۱	-	جمع	شمار		
	۲۱	-	دوم	شخص		
	۵	+	گذشته	زمان	اد-	
	۱۲	-	امری	وجه	ب-	
	۱۷۶	-	التزامی	وجه		
	۱۱	-	شرطی	وجه		
	۱	-	دعایی	وجه		
	۱۷۶	+	منفی	قطبیت	ن-	
	۶۷۳	-	اول، دوم، سوم	شخص	م-ی/Ø/د- یم-ید/ند شناسه	
	۶۷۳	-	جمع، مفرد	شمار	م-ی/Ø/د- یم-ید/ند شناسه	

بررسی شفافیت در وندهای ... (لیلا قلی پور حسن کیاده و فروغ کاظمی) ۲۱۹

جدول ۲۶. شفافیت و بسامد وندهای تصریفی در زبان انگلیسی

مقوله دستوری	وند تصریفی	ویژگی تصریفی	ارزش تصریفی	شفافیت	بسامد	
					بسامد در مقوله دستوری	بسامد در وند تصریفی
اسم	-s	شمار	جمع	-	۱۸۴	۲۱۳
	-s'	پیونده/ نشانه ملکی	مالکیت	+	۲۹	
صفت	-er	صفت	برتر	-	۲۲	۴۳
	-est	صفت	عالی	+	۲۱	
فعل	-s	شخص	سوم شخص	-	۱۳	۲۷۶

جدول ۲۷. بسامد وقوع وندهای تصریفی شفاف در فارسی

وندهای تصریفی شفاف	بسامد در فارسی
مقوله دستوری اسم (-ها، -ات)	۲۰۶ (۶۴+۲۰۲)
مقوله دستوری صفت (ترین)	۱۱۰
مقوله دستوری فعل (-ت، -اد، -ن)	۲۱۳ (۱۷۶+۵+۳۲)

جدول ۲۸. بسامد وقوع وندهای تصریفی شفاف در انگلیسی

وندهای تصریفی شفاف	بسامد در انگلیسی
مقوله دستوری اسم (-s)	۲۹
مقوله دستوری صفت (-est)	۲۱
مقوله دستوری فعل (-en)	۱۲

وندهای تصریفی اسم < وندهای تصریفی فعل < وندهای تصریفی صفت

نمودار ۴-۱. سلسله مراتب شفافیت وندهای تصریفی در فارسی

وندهای تصریفی اسم < وندهای تصریفی صفت < وندهای تصریفی فعل

نمودار ۴-۲. سلسله مراتب شفافیت وندهای تصریفی در انگلیسی

۵. نتیجه‌گیری

این تحقیق مروری بر عناصر تصریفی زبان فارسی و انگلیسی و بررسی میزان شفافیت آن‌ها براساس نظریه صرف طبیعی است. در هر دو زبان وندهای تصریفی که صورت عینی و تفکیک‌پذیر داشتند، باتوجه به بسامد وقوع در پیکره تحلیل شدند. از آنجایی که در صورت‌های غیرخودکار هر دو زبان نیز خصلت تصریفی دیده می‌شود و مواردی هم‌چون تک‌واژه‌های متراکم، صورت‌های مکمل، هم‌جوشی‌ها، و امتزاج‌ها قابل مشاهده است، این موارد تصریفی نیز به لحاظ کیفی مدنظر قرار گرفت و تحلیل شد. در گام نخست، با بررسی براساس جدول هسپلمث و سیمز (۲۰۱۰) همه وندهای تصریفی موجود در فارسی و انگلیسی شناسایی و لیست شد. در این مرحله، هجده ونده تصریفی برای زبان فارسی و هشت ونده تصریفی برای زبان انگلیسی شناسایی و تفکیک شد و مشخص شد که تعداد وندهای تصریفی در فارسی بیش از انگلیسی است. در ادامه، از طریق تحلیل براساس رویکرد صرف طبیعی نتایج پژوهش نشان داد که با در نظر گرفتن نوع وندها، در فارسی هفت ونده از هجده صورت موجود (شامل -ها و -ون جمع‌ساز، -ترین صفت‌عالی‌ساز، -تد- و -اد گذشته‌ساز، و -ند- منفی‌ساز/ قطبیت) و در انگلیسی سه ونده از هشت صورت موجود (شامل -s- مالکیت، -est- صفت عالی‌ساز و -en- وجه مفعولی‌ساز) شفاف و باقی وندهای تصریفی غیرشفاف‌اند (بنگرید به جدول‌های ۲۵ و ۲۶). در این پژوهش هم‌چنین بررسی شد که تمامی صورت‌های متراکم، صورت‌های مکمل، هم‌جوشی‌ها، و امتزاج‌ها به واسطه آن‌که رابطه یک‌به‌یک بین صورت و نقش در تصریف آن‌ها رعایت نشده است نیز غیرشفاف هستند. به عبارت دیگر، میزان طبیعی بودن دو نظام صرفی فارسی و انگلیسی را کاهش داده‌اند. باتوجه به نظریه صرف طبیعی، علاوه بر قواعد واجی و قواعد صرفی، قواعد تک‌واژگونی است که سبب شده است تک‌واژه‌ها تلفظ‌های متنوع پیدا کنند و چنان صورت‌های غیرخودکاری در این دو زبان تولید شود.

در مقام مقایسه می‌توان به این موارد اشاره کرد که از مقوله دستوری صفت، ونده تصریفی صفت برتر در هر دو زبان غیرشفاف و ونده تصریفی صفت عالی در هر دو زبان شفاف است و این مورد یکی از وجوه اشتراک فارسی و انگلیسی است. شباهت دیگر مربوط به مقوله فعل است. وندهای وجه استمراری در هر دو زبان غیرشفاف است. این وجه در زبان فارسی با ونده تصریفی «می-» بازنمایی می‌شود که ونده غیرشفاف است و در

زبان انگلیسی با وند تصریفی «-ing» صورت‌بندی می‌شود که غیرشفاف است. لذا وندهای وجه استمراری در هر دو زبان فاقد شفافیت‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهند که در هر دو پیکره فارسی و انگلیسی، وندهای تصریفی فعل به‌لحاظ بسامد وقوع، بیش از وندهای صفت، قید، و اسم است. حال با در نظر گرفتن وندهای شفاف، در پیکره فارسی از میان ۷۰۹ وند تصریفی فعلی ۲۱۳ وند تصریفی شفاف، از میان ۴۰۴ وند تصریفی اسم‌ساز ۲۶۶ وند تصریفی شفاف و در صفت از میان ۲۴۵ وند تصریفی صفت‌ساز ۱۱۰ مورد شفاف یافت شد. این درحالی است که در زبان انگلیسی از میان ۲۷۶ وند تصریفی فعلی ۱۲ مورد شفاف، در مقوله اسم از میان ۲۱۳ وند تصریفی موجود در پیکره تنها ۲۹ مورد شفاف و از میان ۴۳ وند تصریفی صفت‌ساز ۲۱ مورد شفاف دیده می‌شود (بنگرید به نمودارهای ۱-۴ و ۲-۴). بنابراین در پاسخ به سؤال اول این نتیجه به‌دست می‌آید که شفافیت مقوله‌های اسم و فعل در زبان فارسی بیش از شفافیت مقوله فعل است. درحالی که شفافیت مقوله‌های اسم و صفت در زبان انگلیسی بیش از شفافیت مقوله فعل است و این امر یکی دیگر از وجوه افتراق موجود در نظام صرفی این دو زبان است.

حال برای پاسخ به سؤال دوم، به شواهد زیر استناد می‌کنیم. مشاهده کردیم که بسیاری از وندهای تصریفی با بسامد بالا در هر دو زبان ملاک شفافیت را مخدوش کرده‌اند. به‌عنوان مثال در فارسی، وند تصریفی «-ان» بسامد بالایی دارد، اما شفاف نیست. هم‌چنین، وند تصریفی «-ون» در پیکره فارسی یافت نشد؛ درحالی که وندی شفاف است. در زبان انگلیسی وند تصریفی «-s» جمع‌ساز بسامد بالایی دارد، درحالی که شفاف نیست. علاوه‌بر آن، وند تصریفی «s'» ملکی بسامد کمی دارد، ولی شفاف است. بنابراین میان ملاک شفافیت و بسامد وقوع وند تصریفی رابطه مستقیمی وجود ندارد. درحقیقت، می‌توان گفت که در نظام صرفی هر دو زبان بین مقوله دستوری و شفافیت وندهای تصریفی رابطه مستقیمی وجود دارد. اما این رابطه درخصوص شفافیت هریک از وندها با بسامد وقوعشان لزوماً صدق نمی‌کند. سخن آخر آن‌که درمجموع اسم‌ها شفاف‌تر از فعل‌ها هستند و این نتیجه در هر دو زبان است (که به‌شکل سلسله‌مراتب شفافیت در نمودار سلسله‌مراتبی ۱-۴ و ۲-۴ فوق قابل مشاهده است). نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه در حوزه مطالعات صرف طبیعی می‌تواند در امر آموزش و یادگیری زبان و مشخصاً در این‌جا دو زبان فارسی و انگلیسی مؤثر باشد. هرچه زبانی دارای مؤلفه‌های شفاف‌تر باشد، طبیعی‌تر است و هرچه زبان طبیعی‌تر باشد، یادگیری آن راحت‌تر است.

کتاب‌نامه

- افراشی، آزیتا (۱۳۷۸)، «نگاهی به شفافیت و تیرگی»، فصل‌نامه زبان و ادب، ۶۱-۷۳.
- حقوقین، فریده (۱۳۷۸)، «بررسی میزان طبیعی‌بودن نظام تصریفی زبان فارسی بر مبنای نظریه صرف طبیعی»، فصل‌نامه زبان و ادب، ش ۹ و ۱۰، ۷۵-۹۵.
- حقوقین، فریده (۱۳۷۹)، «نگرشی به نظریه صرف طبیعی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، س ۱۰، ش ۳۶، ۲۳-۴۳.
- حقوقین، فریده و فاطمه کوشکی (۱۳۹۴)، «بررسی متجانس‌بودن نظام تصریفی زبان فارسی بر مبنای صرف طبیعی»، نشریه جستارهای زبانی، ش ۲۷، ۱۰۵-۱۳۰.
- یول، جورج (۱۳۸۹)، بررسی زبان، ترجمه علی بهرامی، تهران: رهنما.

- Corpus of Contemporary American English* (2021): < <http://www.english-corpora.org/coca>>.
- Croft, William (2003), *Typology and Universal*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Dressler, Wolfgang Ulrich (2005), "Morphological Typology and First Language Acquisition: Some Mutual Challenges", *Morphology and Linguistic Typology*, 7-21.
- Dressler, Wolfgang Ulrich et al. (eds.) (1978), *Leitmotifs in Natural Morphology*, John Benjamins, B.V.
- Gaeta, Livio (2018), "Natural Morphology", *The Oxford Handbook of Morphology Theory*, 244-264.
- Galeas, Grazia (2001), "What Is Natural Morphology? The State of the Art", *Journal of Linguistics: Athens*, no. 13, 7-33.
- Haspelmath, Martin and Andrea D. Sims (2010), *Understanding Morphology*, Hodder Education.
- Hengeveld, Kees and Sterre Leufkens (2018), "Transparent and Non-Transparent Languages", *Folia Linguistica*, vol. 52, no. 1, 139-175.
- Leufkens, Sterre (2015), *Transparency in Language*, Utrecht University: LOT.
- Spencer, Andrew (1991), *Morphological Theory: An Introduction to Word Structure in Generative Grammar*, Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Whiting, Caroline M., William D. Marslen-Wilson, and Yury Shtyrov (2013), "Neural Dynamics of Inflectional and Derivational Processing in Spoken Word Comprehension: Laterality and Automaticity", *Frontiers in Human Neuroscience*, no. 7, 1-26.